

یک زن ۶۰ ساله با زندگی و پیشینه‌ای سراسر رنج و مرارت دست به یک عمل ناممکن می‌زند

دایانای غرق ناشدنی

یک تصمیم عجیب

شنا تنها حرفه‌ای بود که دایانا با آن آشنایی داشت. او از کودکی برای فرار از مشکلات و بد رفتاری‌های ناپدری الکلی از سویی و سوءاستفاده از جانب یک معلم و مربی ملعون از جهت دیگر، تنها به شنا روی می‌آورد. شنا و باز هم شنا و تنها رویا و امیدی هم که از کودکی در سر می‌پروراند، موفقیت در شنا بود. اما اکنون در ۶۰ سالگی و تجربه و پیشینه با موفقیت نسبی در رسانه‌ها دایانا یکبار دیگر به شناری روی آورده بود. او در پی آن بود تا عفریت گذشته‌ها را برای همیشه از سر بیرون کند. اما با شنادر غیر ممکن‌ترین و خطرناک‌ترین مسیر آبی در جهان یعنی فاصله میان فلوریدا تا کشور کوبا با امواج چندمتری و خطرناک‌ترین و خونخوارترین کوسه‌ها در آبهای جهان و یک فاصله ۹۰ کیلومتری میان دو کشور متخاصم آیا غیر ممکن‌تر از این هم امکان‌پذیر می‌باشد؟

دایانا میاد کیست؟

دایانا میاد در سال ۱۹۵۱ در یکی از شهرهای کوچک در حومه نیویورک سیتی به دنیا آمده بود. در حقیقت دوران خوشی او، متعلق به زمان‌هایی می‌باشد که دایانا به یاد نمی‌آورد، یعنی از بدو تولد تا چهار سالگی. او که تک‌فرزند پدر و مادرش بود در حالی که تنها ۴ سال داشت پدرش را بر اثر ابتلا به بیماری ربوی از دست داد. و از این زمان بود که دوران خوب زندگی پایان گرفته بود. مادرش از نظر اقتصادی توان اداره خود و فرزندش را نداشت و سرانجام در حالی که دایانا گام به هشت سالگی نهاده بود مادرش با مرده‌ی ازدواج می‌کند که دایانا حتی به یاد آوردن او برایش شکنجه‌آور می‌باشد. ناپدری دایانا یک الکلی بود که دارای پیشینه کفتری به اتهام سرقت هم بود. ناپدری دایانا که سر تا سر رفتاری جنون‌آمیز داشت،



هر شب مست لایعقل به خانه باز می‌گشت و به عنوان یک عادت همسرش و دایانای کوچک را به باد کتک می‌گرفت، آن هم با بزاری درد آور مانند کفگیر و تسمه و میله پرده و امثال آن. جای برخی از ضرب و جرح‌های وارده از جانب پدرش هنوز هم روی بدن دایانا باقی مانده است. دایانا که در آن زمان در یک دبستان بزرگ مشغول تحصیل بود یک راه فرار از آن همه زجر و ناراحتی را در استخر شنای مدرسه دیده بود. او زیر نظر یک بانوی مهربان فراگیری شنا را آغاز کرد و خیلی زود عاشق این ورزش شد. در واقع هنگامی که او درون آب فرو می‌رفت گویی همه دردها و ناراحتی‌هایش پایان می‌گرفت و برای خودش ارزشی را صاحب می‌شد. دایانا چند سالی را به همین منوال گذراند تا اینکه تحصیل در دبیرستان را آغاز کرد و همراه با آن‌ها در مدرسه بسیار جدی‌تر دنبال کرد. او به عضویت تیم دبیرستان در بخش دختران درآمد و همراه با آن هم چند مدال و تقدیرنامه را صاحب شد. اما در اواسط دوران دبیرستان بود که حتی در شنا یعنی تنها پدیده محبوب او با یک انسان شیطان صفت مواجه شد. در واقع مربی جانشینی که پس از مربی قبلی، هدایت تیم شنای دبیرستان را بر عهده گرفته بود، سوءرفتار با چند دختر شناگراز جمله دایانا را آغاز کرد و زمانی که صدای اعتراض آنها بر خاسته بود او شناگران دختر را تهدید می‌کرد که عضویت در تیم را از دست خواهند داد.

تحصیل در رشته تربیت بدنی در دانشگاه نیویورک را به دست آورد، برایش به عنوان پایانی بر بدبختی‌ها بود چرا که آن خانه و آن دبیرستان را ترک می‌گفت و وارد محیطی ورزشی می‌شد. دایانا همچنان آرزوهای بزرگی داشت.

بیماری آسم

دایانا در پی آن بود که رکوردهای ملی و جهانی را جابجا کند و به عنوان عضوی در تیم ملی دختران گام به مسابقات جهانی و المپیک بگذارد. اما در حین برگزاری یک مسابقه شنای سرعت دایانا ناگهان دچار تنگی نفس می‌شود. به گونه‌ای که باید به او کمک می‌کردند تا از استخر خارج شود. بنابراین او را به خاطر مشکل پیش آمده در بیمارستان بستری کردند و در آنجا بود که یک خبر بد را پزیشان به دایانا منتقل کردند. او مبتلا به بیماری آسم بود که چند سالی هم آن را با خود داشت. اما هیچگاه برای معالجه اقدام نکرده بود. آنگاه پزیشان مسابقات شنا را برای او ممنوع اعلام کردند و تنها به او اجازه دادند تا به شنا به عنوان تفریح و تفنن ادامه دهد و نباید در آن به رقابت بپردازد، چرا که احتمال تشدید بیماری و حتی مرگ او را در بر می‌داشت. در واقع طی آن چند روز سر نوشت ساز در بیمارستان، دنیای دایانا ناگهان و بار دیگر در هم شکسته بود. او باور نمی‌کرد که باید کلیه آرزوهایش را فراموش کند. اما چاره‌ای هم نداشت. او باید با شرایط خودش کنار می‌آمد. اما در پی آن بود که به نوعی به شنا ادامه دهد و همراه آن باشد.

در رسانه‌ها

دایانا هیچگاه آب و استخر را ترک نکرد و فقط مسابقه و رقابت را کنار گذاشت. اما شیوه جدیدی در شنا که برایش لذت بخش بود، ورود به دریاها و دریاچه‌ها بود که در آن می‌توانست ساعت‌ها به شنا بپردازد. بدون آنکه نگران تنگی نفس در خودش باشد. از سوی دیگر دایانا زمانی که چند مقاله ورزشی را به رشته تحریر در آورد و آن را در روزنامه‌ها و